

تأثیر آراغات بر شکل‌گیری منظر فرهنگی ارمنستان

سمانه رحمدل

کارشناس ارشد معماری منظر

Samaneh_rahmdel@yahoo.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «هنر و تمدن قفقاز» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۲ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

ارامنه کوه آراغات را مادر ارمنستان می‌دانند. تاریخ ارمنستان از آغاز با این کوه پیوندی عمیق داشته است. تمامی اساطیر ارمن به گونه‌ای با این کوه در ارتباط بوده و هویت بومی ارمنستان با آن تعریف می‌شود. آراغات، نماد دوپارگی ارمنستان بزرگ و الگوی پیوند دوباره تکه‌های این قوم به شمار می‌آید. در ذهن ارامنه، آراغات مسیری را از طبیعت به اسطوره، از اسطوره به فرهنگ، و از فرهنگ به منظر پیموده است. جایگاه آن به عنوان شاخص‌ترین عنصر منظر طبیعی ارمنستان، حاصل گزینش ذهنی ارامنه از طبیعت پیرامون بوده، که به دلیل پیوند با فرهنگ و اساطیر ملت ارمن، خود به یک عنصر فرهنگی ارتقا پیدا کرده است. در عین حال آراغات در شکل‌گیری بافت منظرین ارمنستان نقشی یگانه داشته و مهم‌ترین مناظر آیینی کلیساهای دامنه آراغات و زیستی ایروان مستقیماً تحت تأثیر حضور هویت‌مند این کوه ساخته شدند.

در منظر شهری نیز، آراغات در چشم‌انداز، گرافیک شهری و هنر خیابانی به صورت مکرر ظاهر شده؛ این تکرار که میزان آن بیش از هر عنصر دیگری در محیط مشهود بوده، بیانگر آن است که این کوه همچنان که در منظر طبیعی تمرکزگرا بود، در منظر فرهنگی نیز نقش وحدت‌بخش خود را حفظ کرده است.

واژگان کلیدی

آراغات، منظر طبیعی، منظر فرهنگی، منظر وحدت‌گرا، هنر شهری.

کیفیت انتخاب منظر طبیعی در حوزه‌های سرزمینی مختلف، در درجه اول به جغرافیا و اقلیم و چگونگی ارتباط آن با تأمین نیازهای عملکردی- علت اولیه بقای یک مجموعه زیستی- وابسته است. در سرزمین‌های کوهستانی، کوه همواره علاوه بر جایگاه عملکردی خود دارای معانی رمزی نیز بوده؛ چنان که کوه نقطه تلاقی زمین و آسمان بوده و در نتیجه صاحب قداست دوگانه‌ایست: هم رمز فضای رفیع و برتر است و هم رمز ظهور آثار جوی همچون باران، و به این اعتبار، جایگاه خدایان است (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۶). این کارکردهای رمزی و معنایی کوه، در شکل‌دهی ساختار فرهنگی این سرزمین‌ها نقش اساسی داشته است.

فرضیات

۱. کوه آراءات به عنوان شاخص‌ترین عنصر طبیعت سرزمین ارمنستان، به پشتوانه جایگاه اسطوره‌ای و مقدس خود در نزد مردم ارمن، به فرهنگ این سرزمین وارد شده است. جایگاه واحد و بی‌رقیب این کوه در منظر طبیعی، منجر به شکل‌گیری منظر فرهنگی یکپارچه و متمرکز- از نظر ساختار فضایی و مکان‌یابی جغرافیایی- شده است.

۲. کوه آراءات نقش یک عنصر منظرین را، با حفظ دوام تاریخی خود به درستی ایفا کرده و همواره مورد مداخله انسان قرار گرفته است. این مداخله در آغاز بیشتر جنبه ذهنی داشته و به تدریج با تکامل ساختار مدنی قوم ارمن، مداخله عینی در آن افزایش یافته است. در تمام این مراحل کوه آراءات نقش توأمان منظر طبیعی- فرهنگی را دارا بوده است.

ارمنستان: چندپاره و یکپارچه

در میان سرزمین‌های حوزه قفقاز، ارمنستان از نظر ترکیب اقوام بسیار همگن است؛ به طوری که بیش از ۹۷ درصد کشور فعلی ارمنستان را یک گروه قومی واحد تشکیل می‌دهند. به همین علت این کشور هرگز با خطر تجزیه مواجه نبوده است (زرگر، ۱۳۸۷: ۱۶). به علاوه سرزمین اصلی ارمنستان، فراتر از مرزهای ارمنستان کنونی شامل بخش‌هایی از شمال غرب ترکیه نیز هست. به واقع ارمنستان همواره سرزمینی دوپاره و مورد مناقشه ابرقدرت‌های همسایه خود بوده است (Abrahamian, 2006: 331). ولی این دوپارگی هیچ‌گاه باعث نشده ارمنه قسمت‌های جدا شده سرزمین خویش را فراموش کنند^۲، تا جایی که با ایده «ارمنستان بزرگ»^۳ و ترسیم مرزهای وطن تا کوه آراءات و فراتر از آن، تمامیت ارضی کشورهای همسایه خود، ترکیه و آذربایجان را تهدید می‌کنند (زرگر، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۸ و امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۳۳).

به گفته ارمنه، دو جاده مهم ارتباطی که شرق را به غرب وصل می‌کرد از فلات ارمنستان می‌گذشت و ارمنستان همواره صحنه کشمکش ابرقدرت‌ها برای تصاحب این جاده‌ها بود؛ جاده‌هایی

چیستی منظر طبیعی و منظر فرهنگی

برای یافتن تعریفی دقیق از دو مفهوم منظر طبیعی (Natural landscape) و منظر فرهنگی (Cultural Landscape) بهترین روش توجه به مفهوم منظر به عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی (منصوری، ۱۳۸۳) است. در بیشتر تعاریف، منظر طبیعی به عنوان منظری بدون هیچ‌گونه مداخله انسانی معرفی می‌شود؛ درحالی که عبارت «عدم مداخله انسان» در این مورد درست به نظر نمی‌رسد. منظر طبیعی حاصل مداخله ذهنی انسان در طبیعت، و مداخله‌ای از جنس گزینش می‌باشد؛ حاصل انتخاب انسان از طبیعت، و طبقه‌بندی ذهنی وی میان عناصر محیط طبیعی است. منظر طبیعی، منظری مشارکتی است؛ اما نقش انسان و میزان دخل و تصرف او در آن کم‌رنگ‌تر خواهد بود (غضنفری، ۱۳۸۷: ۲۲).

بنا به تعریف اتو اسلوتر (Otto Schluter)^۱ منظر فرهنگی منظری است که توسط فرهنگ انسان‌ها شکل گرفته باشد (همان: ۲۱-۲۰). یونسکو منظر فرهنگی را نشان‌گر تعامل انسان و طبیعت، و میراثی نه طبیعی صرف و نه انسانی مطلق بلکه میراث ترکیبی (Mixed Heritage) معرفی می‌کند (Fowler, 2003: 15). در مقام مقایسه، این گونه به نظر می‌رسد که منظر فرهنگی، زاینده و دنباله منظر طبیعی است؛ ضمن اینکه منظر طبیعی-حتی بدون مداخله عینی قابل توجه- خود قابل ارتقا به منظر فرهنگی است، که این بیشتر در مورد مناظر فرهنگی با سابقه تاریخی و اسطوره‌ای غنی در نزد یک اجتماع زیستی اتفاق می‌افتد؛ همانند کوه دماوند برای ایرانیان و قله آراءات در نزد ارمنه.

جایگاه کوه در شکل‌گیری منظر فرهنگی سرزمین‌های کوهستانی

اگر منظر فرهنگی را متشکل از دو بخش منظر آیینی و مجتمع‌های زیستی بدانیم، نگاهی به تاریخ سرزمین‌های باستانی، به درستی نقش محوری عناصر برگزیده طبیعت این سرزمین‌ها را در شکل‌گیری منظر فرهنگی آنها آشکار می‌کند. در هر اقلیمی متناسب با نوع معیشت و چگونگی وابستگی به طبیعت، برخی عناصر، کارکرد معنایی ویژه‌ای می‌یافتند. به طور ویژه در سرزمین‌های حوزه خاورمیانه و قفقاز-جایی که به نظر خاستگاه کهن‌ترین تمدن‌های بشریست- شکل‌گیری اجتماعات زیستی و دوام آنها، وابسته به عناصر طبیعی به عنوان عوامل مهم در تأمین معاش جامعه بوده است. از سوی دیگر در این سرزمین‌ها حیات مادی همواره با نیروهای آسمانی گره خورده و منظر آیینی به عنوان بخش معنایی از نظام زیستی، همیشه در کنار این اجتماعات وجود داشته است. در این بین طبیعت رکن اصلی شکل‌گیری منظر آیینی را تشکیل می‌داد؛ که این مهم به دلیل وابستگی ادیان باستانی سرزمین‌های مذکور به طبیعت، و مقدس شمردن عناصر طبیعی همچون آب، کوه و گیاه بوده است.

زمین پس از طوفان می‌دانند و به همین علت از آرارات به عنوان مادر جهان یاد می‌کنند (Buachidze, 1999: 324). پیش از مسیحیت نیز کوه آرارات به عنوان جایگاهی مقدس، محل غروب آفتاب و زادگاه قهرمانان شناخته می‌شد (تصویر ۲).

تصور می‌شود ازدهای اسطوره‌ای در این کوه می‌زیستند و دهانه آتشفشان آرارات را یادآور زیستگاه آنها می‌دانند (Marshall, 2007: Introduction-xv). «موسی خورنی» تاریخ‌نگار ارمنی، سه برادر افسانه‌ای «زروان»، «تیتان» و «یانتوس» را که در دشت آرارات زاده شدند، همان سه پسر نوح، «شم»، «هام» و «یاپت» بازماندگان طوفان و اجداد بشر می‌داند. همچنین به ادعای خورنی و طبق افسانه‌های محلی، «آرا» پسر کوچک هایک، بنیانگذار ارمنستان، در فلات آرا در پای کوه آرارات کشته شد. آرمناک پسر بزرگ وی، که نام آرارات را از او می‌دانند، نیز آرارات را برای استقرار خود انتخاب کرد (khorenatsi, 1978/ Petrosyan, 2002).

البته برخی ریشه نام آن را ایرانی و معنای آن را «آتشگاه کام‌بخش» دانسته‌اند، که احتمالاً به پیوند میان کوه‌های آتشفشانی، آسمان و خورشید در ادیان طبیعی باستانی، از جمله مهرپرستی مرتبط است؛ زیرا در ادبیات آیینی باستان، واژه «رات» همواره در ارتباط با کوه‌های باستانی که محل نیایش و قربانی بوده‌اند، ذکر شده است (منصوری، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۷). کوه آرارات در حالی چنین مورد توجه است که از نظر اقلیمی بسیار

که به دشت آرارات، درست در مرکز فلات ارمنستان ختم می‌شد (آبراهامیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۶). شاید نتوان با صراحت علت دوام و استحکام فرهنگی آرامنه و پافشاری آنها را بر حفظ نمادهای سرزمین‌شان مشخص کرد؛ اما بی‌شک مهم‌ترین این نمادها، که از قضا اکنون از کشور ارمنستان جدا افتاده، کوهستان آرارات است. پاره‌ای از طبیعت ارمنستان که نماد منظر طبیعی سرزمین است.

آرارات، اسطوره طبیعت

هرچند وجود کوه‌های مقدس در منطقه قفقاز بی‌سابقه نیست (تصویر ۱) ولی هیچ‌یک از لحاظ حوزه نفوذ و اعتبار ملی با آرارات قابل قیاس نخواهد بود. کوه آرارات، شامل دو قله کوچک (سیس) و بزرگ (ماسیس) در مرکز فلات ارمنستان و جنوب دشت آرارات است؛ این کوه و دشت شمالی آن به اندازه تاریخ سرزمین ارمنستان با خود خاطره دارد و با تمام اسطوره‌ها و افسانه‌های این سرزمین پیوندی عمیق برخوردار است، می‌توان گفت همین روایات منجر به ترسیم سیمای منظر فرهنگی برای این عنصر طبیعی شده‌اند.

به استناد متنی در تورات^۱، آرامنه ادعا می‌کند کشتی نوح بر قله آرارات فرو نشسته و طبق نظر آرامنه خاستگاه بشریت و نیز بهشت عدن انجیل همین کوه است (Marshall, 2007: Intro-duction-xv). به همین سبب آرامنه خود را نخستین انسان‌های

تصویر ۱. مستیا کوه مقدس در مقیاس ناحیه‌ای؛ مستیا، گرجستان. عکس: سمانه رحمدل، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



بنا به برخی از نظرات یکی از چهار رود یاد شده در بهشت تورات است از آن سرچشمه می‌گیرد. هم از لحاظ معنایی و هم از بعد کالبدی، آرارات مرکز ثقل ارمنستان بزرگ است.

بنابر آنچه گفته شد، منظر طبیعی ارمنستان دارای یک عنصر «خاص» و «مرکزی» با حوزه نفوذ سرزمینیست که بخش وسیعی از پهنه قابل سکونت این سرزمین را تحت پوشش دارد. کوه آرارات عنصری یگانه است، که نقش دوگانه حیاتیبخش و معنابخش را در مقیاس سرزمین ارمنستان ایفا کرده و در هر دو وجه منظر آیینی و منظر زیستی، به آفرینش منظر فرهنگی وابسته به یک عنصر وحدت‌آفرین منجر شده است. در ادامه این نوشتار به بررسی نشانه‌های فرهنگی پرداخته می‌شود که دلالت بر نقش وحدت‌بخش آرارات در شکل‌گیری منظر فرهنگی ارمنستان، و دوام این نقش در طول تاریخ حتی تا دوران معاصر داشته است.

سیمای آرارات در منظر فرهنگی باستانی

به گفته «الیاده» دوام و پایداری امکان مقدس، بازتاب استقلال "تجلی قداست" است، به این معنا که انسان فضای قدسی را انتخاب نمی‌کند، بلکه آن را کشف می‌نماید (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۴۷). در واقع طبیعت به نوعی خود را به فرهنگ-از طریق اساطیر و باورهای ماوراء طبیعی- تحمیل می‌کند. پیوند تاریخی اساطیر با طبیعت، که ریشه در تجلی قدرت و قداست در طبیعت دارد

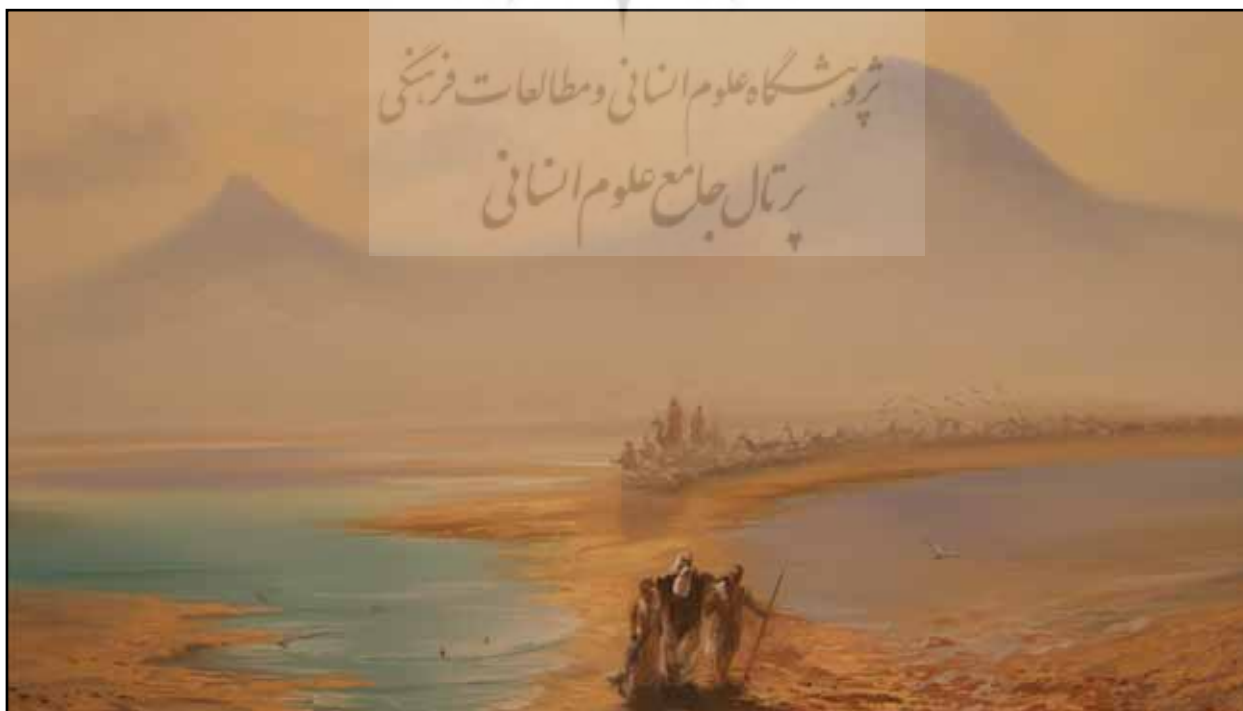
خشک، کم‌گیاه و با بافتی پرخلل و فرج است؛ چنانکه برف‌های ذوب شده پیش از رسیدن به دامنه، تماماً جذب زمین می‌شود. (Bryce, 1877-1878: 176).

آرارات دست نیافتنی به نظر می‌رسد؛ چه زمانی که به دلیل تقدس، صعود از آن ممنوع و تابو بود (Petrosyan, 2007: 16) و چه امروز که مرزهای سیاسی آن را دور کرده است. فرم کوهستان آرارات دوباره و دارای دو قله کوچک و بزرگ است. برخی دوپارگی آرارات را نمادی از دوپارگی تاریخی ارمنستان و تقسیم همیشگی آن میان ابرقدرت‌های منطقه دانسته‌اند (Abrahamian, 2006: 331).

دیاسپورا یا آوارگی آرامنه انگیزه‌ای برای وحدت ملی آنها بوده است. "در الگوی پراکندگی، تبعید طولانی‌مدت موجب برانگیختگی احساس غربت شدید و گونه‌ای میل پرشور به بازیافتن سرزمین اصلی خاص اجتماع برگزیده می‌شود" (اسمیت، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

چنین حسی به شدت در میان آرامنه وجود داشته و دیاسپورا، حس بازگشت و تداوم را در آنها زنده نگاه داشته است (زرگر، ۱۳۸۷: ۲۸). آرارات الگوی آرامنه برای رهایی از تجاوز همیشگی قدرت‌های شرق و غرب به ارمنستان بوده، همان‌طور که خود رهایی‌بخش کشتی نوح و نسل آرامنه از طوفان بود (Petrosyan, 2007: 19). از لحاظ ساختار جغرافیایی نیز سه دریاچه مهم وان، سوان و چیچست (ارومیه) در فلات ارمنستان و به مرکزیت آرارات قرار دارند و رود ارس، که

تصویر ۲. پایین آمدن نوح (ع) از کوه آرارات. کپی از نقاشی ایوان آیوازوفسکی، ۱۸۸۹. مجل نگهداری: گالری ملی ارمنستان. مأخذ: www.Artsarmenia.com





تصویر ۳. صومعه خورویراپ کهن‌ترین منظر آیینی مسیحی در دامنه آرارات، آرتاشات، ارمنستان. مأخذ: Wikimedia.org

مکان‌یابی آن بر تپه‌ای در دامنه آرارات و شباهت این مکان‌گزینی به موقعیت مناظر آیینی مربوط به ادیان باستانی مرتبط با تقدس کوه، این احتمال را مطرح می‌کند که این مکان آیینی قدمتی پیش از تاریخ مسیحی دارد (تصویر ۳). افسانه‌ها نیز این ارتباط معنایی را میان منظر آیینی و آرارات تأیید می‌کنند؛ چنان‌چه گفته‌اند در قرن چهار میلادی، شاه تیرداد طی ۷ روز از کوه صعود کرد و همانند هایک، جد آرامنه، ۸ سنگ از آن کوه برگرفت و پایین آورد تا نخستین کلیساها را با آن بنا سازد (Petrosyan, 2007: 16). نزدیکی میان فضاهای آیینی و زیستی متأخرتر ارمنستان با کالبد فیزیکی آرارات، در واقع تداوم پیوند ذهنی اساطیر و این کوه است که منجر به تبدیل آن به منظر طبیعی شده است. منزلگاه عینی قدیسین و مقدسین دین مسیحیت، همان زیستگاه ذهنی اساطیر است و جز این نمی‌تواند باشد، زیرا منظر، امری پیوسته و دنباله‌دار در طول تاریخ است. مداخله فیزیکی، تنها وجه عینی منظر طبیعی-فرهنگی آرارات را بارزتر کرده و به نوعی به استقرار تاریخی آن کمک می‌کند. وجه فرهنگی منظر آرارات، در سایه این اجتماعات زیستی و آیینی، نظیر شهرها و صومعه‌ها حاصل نشده، بلکه این پدیده‌های فرهنگی، صرفاً بروز فیزیکی یک امر ذهنی با قدمت تاریخی هستند.

تداوم فرهنگ در سایه آرارات

جان لاک (John Locke) فیلسوف انگلیسی، هویت شخصی

(همان: ۳۴۵) در مورد کوه آرارات چنان عمیق بوده که منجر به ارتقای آن به "فضای قدسی" شده است؛ جایگاه اساطیر، خدایان و بعدها پیامبران و قدیسین.

• مجتمع‌های زیستی: تاریخ ایجاد مجتمع‌های زیستی ارمنستان، مانند بسیاری موضوعات دیگر این سرزمین، به کوهستان آرارات پیوند خورده است؛ به طوری که براساس افسانه‌های ارمنی، نوح پیامبر نخستین شهر را در دامنه ماسیس (آرارات) ساخت (Petrosyan, 2007: 19). "نوح از کشتی خارج شد، از کوه [آرارات] پایین آمد و تاکستانی در آنجا پرورش داد" (Tatevatsi, 1993: 555).

در زمان حکومت اقوام اورارتو بر ارمنستان، حدود سال ۸۰۰ پیش از میلاد، قلعه اربونی (Erebuni) در دشت آرارات ساخته شد (بهزادی، ۱۳۷۰: ۱۱۴) که بعدها در اوایل قرن بیستم در محل آن شهر ایروان (تغییر شکل یافته اربونی) احداث شد. سایر محوطه‌های اورارتویی نیز، عمدتاً پیرامون دریاچه‌های وان و ارومیه شناسایی شده‌اند (همان) که این خود دلالت بر مکان‌یابی مجتمع‌های زیستی توسط ساکنان قدیمی ارمنستان در دامنه آرارات دارد.

• منظر آیینی: نقش آرارات در شکل‌گیری منظر آیینی از دو جنبه قابل بررسی است: نخست وجود مناظر آیینی شاخص در دامنه کوه آرارات بوده که مهم‌ترین آن صومعه خورویراپ است. هرچند گفته می‌شود این قدیمی‌ترین صومعه جهان است، ولی

براساس فرهنگ مشترک خود و زمینه فکریشان به اشتراک در ذهن دارند (طیبی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۸).

تصویر شهر ایروان، که در دامنه آراارات بنا شده، با پس‌زمینه این کوه، قابی مهم برای معرفی ایروان محسوب می‌شود. انتخاب موقعیت‌های نظرگاهی رو به آراارات، و طراحی نظرگاه‌های شهری همچون کاسکاد (هزار پله) و نماد نسل‌کشی ارمنه بر فراز آنها، با توجه به این پس‌زمینه طبیعی - فرهنگی بوده است. در واقع نظرگاه‌های ایروان از دریچه‌ای به شهر می‌نگرند که کوه آراارات پس‌زمینه آن است. قاب‌آشنای آراارات موجب تقویت حس مکان در فضاهای شهری شده، زیرا آشنایی زیاد، موجب ایجاد حس مکان می‌شود و هنگامی که شکل و آشنایی ادغام شوند، تأثیرگذاری آن بسیار قوی خواهد شد (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۶۸). نظرگاه هرچند به خودی خود امری نو نیست، ولی استفاده از آن در بدنه منظرین شهر اقدامی نوین و به روز در بهبود کیفیت منظر شهرهای امروزی محسوب می‌شود. ارتباط بین منظر طبیعی و منظر فرهنگی مدرن در ایروان، متأثر از جایگاه هویت‌آفرین آراارات در تاریخ ارمنستان است (تصویر ۴).

۲. مقیاس میانی (نمادها و نشانه‌ها در منظر شهری): تکرار بیش از حد یک عنصر در شهر، نشانه اهمیت آن در فضای ذهنی ساکنان آن شهر است. به گفته لینچ، «تکرار» عاملی از منظر شهر، درک بصری مظاهر جسمی یک مجتمع شهری را آسان می‌کند (لینچ، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۳). نام و تصویر نمادین کوه آراارات در سراسر شهر ایروان به صورت مختلف ظاهر می‌شود، از جمله در بیلبوردهای تبلیغاتی به عنوان نام یا نشانه کالا، در سردر فضاهای شهری از جمله هتل‌ها و فروشگاه‌ها، و در آثار هنری و گرافیک شهری، به ویژه آن دسته از آثار که به معرفی ایروان به گردشگران اختصاص دارند. هیچ عنصر دیگری، با هیچ کیفیت و موضوعیتی، قادر به رقابت با کوه آراارات از نظر حضور در گرافیک شهری آراارات نیست. آراارات در ایروان، مکرر است حضور گرافیکی آراارات نیز بازتابی از جایگاه برگزیده و مادرگونه آن نسبت به کل سرزمین است، به گونه‌ای که در برخی آثار شهری، آراارات همچون مادری تصویر شده که سراسر شهر ایروان را در دامن خود در بر گرفته و بر همه عناصر مدرن شهری، در مقیاس و مفهوم، تسلط و برتری دارد (تصاویر ۵ و ۶).

۳. مقیاس خرد (حضور در هنر معاصر): نقاشی‌های هنرمندان هر سرزمین، تا حد زیادی بازتاب نمادها و عناصر مهم فرهنگی آن سرزمین است. ترکیبات مختلف منظر فرهنگی، از منظر طبیعی تا منظر شهری، همواره به فراخور اهمیتشان در ساختار فرهنگی اقوام، جایگاهی در هنر نقاشی سرزمین داشته‌اند.

با مروری بر آثار نقاشان سرشناس ارمنستان، مشخص می‌شود کوه آراارات و بازسازی تصویر روایات و افسانه‌های مرتبط با آن، نظیر اسطوره‌هایک و نیز طوفان نوح، همواره نزد این هنرمندان

را از طریق خاطره تبیین می‌کند. پل لیکور (Paul Ricœur) نیز با استناد به لاک، این حس هویت را قابل انتقال به اجتماع و تأثیرپذیری از آن می‌داند. خاطره اساساً در پیوند با آینده است. حس پیوستگی، به عنوان یکی از کارکردهای اصلی خاطره، در واقع برقرارکننده ارتباط بین جوانی و پیری است (لیکور، ۱۳۷۴: ۴۹-۴۸). خاطره جمعی نیز، در پی انتقال پی در پی از نسل‌های نخستین به نسل‌های جدیدتر، نقش ایجاد پیوستگی تاریخی یک قوم را برعهده می‌گیرد. در ایجاد این پیوستگی تاریخی، عینیت‌یافتن خاطره جمعی اهمیت فراوانی دارد. لیکور این عینیت را از طریق روایات و جشن‌های اجتماعی تعریف می‌کند (همان: ۵۱-۵۳). هنر، معماری و منظر به عنوان ابزارهای مدنی و پرنفوذ، راویان مدرن خاطره جمعی در اجتماع زیستی به شمار می‌آیند. در جامعه‌ای با خاطره جمعی قوی، هنر شهری حلقه اتصال گذشته و آینده و بازتاب هویت جمعی جامعه است. انتظاری که از جامعه ارمنستان با وجود خاطره جمعی عظیمی به نام آراارات می‌رود، تداوم عینی این خاطره جمعی در فضای شهری مدرن است.

آنچه تاکنون گفته شد، پیرامون نموده‌های منظر فرهنگی باستانی ارمنستان بود که متأثر از منظر طبیعی آراارات شکل گرفته است. اما به نظر می‌رسد تأثیر آراارات در شکل‌گیری منظر فرهنگی، محدود به قرون گذشته نبود و این کوه دوباره، تا دوران معاصر نقش فرهنگ‌ساز خود را حفظ کرده است. برای اثبات این ادعا، لازم است نموده‌هایی از کوه آراارات و زیرمجموعه آن - شامل دشت آراارات و دریاچه سوان - در منظر شهری معاصر ارمنستان مورد نظر قرار گیرد؛ زیرا شهر به عنوان تظاهر مدرن منظر فرهنگی، باید مکان تبلور عناصر فرهنگی واجد معنا برای ساکنان خویش باشد. در این راستا، نمود عینی کوه آراارات در منظر شهری ارمنستان، و به طور ویژه در شهر ایروان به عنوان نماد منظر شهری مدرن، در سه مقیاس کلان، میانی و خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقیاس کلان، جایگاه آراارات در سیلوئت (شیخ) شهر تبیین می‌شود. مقیاس میانی به تبلور نمادهای آراارات در فضاهای شهری همچون خیابان و نمای شهری می‌پردازد.

در مقیاس خرد نیز اختصاصاً به تأثیرگذاری کوه آراارات بر موضوعات هنر نقاشان ارمنی به عنوان نماینده‌ای از طیف روشنفکران این جامعه اشاره می‌شود.

۱. مقیاس کلان (کوه آراارات پس‌زمینه شهر): نظرگاه شهری به عنوان موقعیتی در شهر که امکان ادراک کلی از شهر را می‌دهد، فصل مشترک درک شهروندان از شهر به حساب می‌آید. نظرگاه این قابلیت را دارد که به شهروندان خاطره مشترکی از شهر بدهد (حیدری، ۱۳۸۹: ۷۸). اهمیت نظرگاه‌ها نخست به لحاظ ایجاد تصویر عمومی روشن از محیط است؛ یعنی تصویر ذهنی شمار بسیاری از ساکنین از سیمای آن. به عبارت دیگر نکاتی را که عموم درباره شکل و سیمای قسمتی از جسم شهر



تصویر ۴. کوه آرارات از فراز نظرگاه هزارپله. ایروان، ارمنستان. مأخذ: Wikimedia.org

تصویر ۵. حضور آرارات در گرافیک شهری؛ مادر آرارات، شهر ایروان را با همه نشانه هایش در بر گرفته است. ایروان، ارمنستان. عکس: سمانه رحمدل، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲



تصویر ۶ نام آارات در گرافیک بانکی به همین نام. ایروان، ارمنستان. عکس: سامانه رحمدل، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



نمودار ۱. عناصر شاخص منظر طبیعی ارمنستان. مأخذ: نگارنده.

نمود	خصوصیت منظر
کوهستان	منظر طبیعی غالب
تنگ	کیفیت منظر کوهستانی
کوه آارات	عنصر طبیعی مرکزی
در دامنه آارات	مکان‌یابی مجتمع‌های زیستی
کوه آارات-دریاچه سوان	عناصر طبیعی مقدس

اهمیت ویژه داشته است (تصویر ۷). آثار نقاشی موجود در گالری ملی ارمنستان، که به نوعی عصاره تاریخ هنر نقاشی این سرزمین است نیز بر درستی این ادعا صحنه می‌گذارد. در این گالری پرترکرترین عنصر منظر طبیعی در نقاشی‌ها، کوه آارات است. آارات در این آثار موضوع اصلی نقاشی بوده که از گذشته تاکنون در شیوه‌های مختلف نقاشی، از واقع‌گرا تا انواع آثار مدرن، موضوع کار بوده است. برخی عقیده دارند نقاشی به دلیل شخصی بودن، دارای وسعت پیام نیست (حقیقی، ۱۳۷۱-۱۳۷۰: ۵۶) در صورت پذیرش این نظر نیز، تکرار تصویر آارات در آثار نقاشی ارمنی بر اشتراک ساخت ذهنی جامعه هنری ارمنه به عنوان نمایندگان فرهنگی جامعه صحنه می‌گذارد. نقاشی خیابانی به عنوان یکی از فعالیت‌های فرهنگی مهم شهر و بخشی از منظر مردمی، به درستی می‌تواند بروزی از افکار هنرمندان پیرامون عناصر هویت‌مند محیطشان باشد. نقاشی خیابانی از جنبه استفاده از فضای شهری برای ارائه خود، در گونه هنر خیابانی هم قابل تقسیم‌بندی است؛ هنری که از خیابان به عنوان نمایشگاه استفاده کرده و به عنوان پدیده‌ای شهری، قادر است به ابزار و یا حتی سلاحی در تبیین مفاهیم فرهنگی تبدیل شود؛ تا آنجا که این هنر می‌تواند آینه جلوه‌های شهر باشد (صدرالسادات، ۱۳۸۹). در عین حال، نقاشی خیابانی به عنوان گونه‌ای از نقاشی، اقدامی برخاسته از درون هنرمند، و در ذات خود غیرسفرارشی است، زیرا در آن صورت به تصویرگری یا گرافیک تبدیل می‌شود (ر. ک. به حقیقی، ۱۳۷۱-۱۳۷۰: ۵۶-۵۵). در منظره‌پردازی نقاشان خیابانی ایروان، بی‌شک پرترکرترین عنصر، کوه آارات و فضاهای مشتق از آن در دامنه کوه یا دشت آارات-مانند دریاچه سوان و صومعه خورویراپ- است (تصویر ۸). این همه تکرار یک عنصر، و کم‌رنگ‌بودن سایر عناصر، خود نمودار میزان نفوذ آارات به عنوان منظر طبیعی، در ساخت فرهنگی ارمنه است (نمودار ۱).

نتیجه‌گیری

آنچه منظر طبیعی ارمنستان را از سرزمین‌های دیگر حوزه قفقاز متمایز کرده، تملک عنصر خاص و یگانه منظر طبیعی است. در ارمنستان مفهوم کوه به عنوان یک عنصر عام، به یک عنصر طبیعی خاص و یکتا به نام کوه آارات ارتقا پیدا کرده است (نمودار ۲). آنجا که منظر طبیعی بی‌رقیب و متمرکز بوده، منظر فرهنگی حاصل از آن، وحدت‌گرا، همگن و متأثر از همان عنصر یگانه منظر طبیعی شده است. به عبارت دیگر منظر طبیعی در این سرزمین نقشی صرفاً عملکردی نداشته و خاستگاه معنایی و هویتی منظر فرهنگی محسوب می‌شود. زیرا در ساخت فرهنگ‌های کهن، آنچه با دوام است همان بوده که هویت‌بخش است. آارات در طول تاریخ مسیر پیوسته‌ای را به عنوان یک عنصر منظرین پیموده و همواره در خاطرات جمعی ارمنه حضور داشته است. جایگاه آارات به عنوان منظر فرهنگی، ریشه در مفهوم "کوه" در نزد مردم باستانی، به عنوان فضای قدسی داشته است. تبلور فیزیکی آارات در منظر فرهنگی معاصر نیز از اندیشه باستانی پیرامون پیوند این کوه با اساطیر جدا نیست. در حقیقت، آارات پیش از آن که به صورت عینی بروز فرهنگی داشته باشد، به عنصر منظر فرهنگی با نمود ذهنی تبدیل شده بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شکل‌گیری منظر فرهنگی در ارمنستان، وابسته به کیفیت منظر طبیعی و زاینده آن است.



تصویر ۷. دشت آرارات. نقاش: پیتر شلیکف، ۱۹۶۲. مأخذ: Hebrewhome.org

تصویر ۸. آرارات، نقش غالب در منظرپردازی نقاشان خیابانی. ایروان، ارمنستان. عکس: سمانه رحمدل، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



نمودار ۲. تأثیر‌گذاری منظر طبیعی آرات بر شهر ایروان در سه مقیاس. مأخذ: نگارنده.

مقیاس	نمود	نمونه
کلان	چشم‌اندازِ نظرگاه شهری-سیلوئت شهر	کاسکاد(هزار پله)-نظرگاه یادبود نسل‌کشی ارمنه
میانی	گرافیک شهری	نمای شهری-تبلیغات تجاری-تبلیغات فرهنگی
خرد	نقاشی	گالری هنر ارمنستان-نقاشان خیابانی

پی‌نوشت

۱. «اتو اشلوتر» واژه «منظر فرهنگی» را برای نخستین بار در ۱۹۰۸ میلادی مطرح کرد.
۲. نمونه آن مناقشه با آذربایجان بر سر قره‌باغ است.
۳. ارمنستان بزرگ شامل ارمنستان فعلی و بخش شمال‌شرقی ترکیه است که از اوایل قرن بیستم و در پی نسل‌کشی ارمنه توسط آتاتورک، به تسخیر ترکیه درآمده و اکنون جزو خاک آن کشور است. کوه آرات در مرز سه کشور ارمنستان، ایران و ترکیه، و در خاک ترکیه قرار دارد.
۴. در تورات این چنین آمده: «در روز هفدهم از ماه هفتم کشتی بر کوه‌های آرات قرار گرفت». ارمنه معتقدند مراد از آرات در تورات، کوه مقدشان بوده است.
۵. آیر به معنای آتش و رات به معنای بخشنده (=راد) ذکر شده است.

فهرست منابع

- آبراهامیان، آ. گ. و دیگران (۱۳۶۰). *تاریخ ارمنستان*، ج ۱. ترجمه: ا. گرمانیک. تهران: مترجم.
- اسمیت، دیوید (۱۳۸۲). چالش‌های قومی و واپس‌ماندگی ملت‌ها؛ با نگاه به نظریه‌های بقای قومی. *مجله راهبرد* (۲۹): ۱۸۳-۲۰۴.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه: جلال ستاری. تهران: سروش.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸). روند تحولات در بحران قره‌باغ. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، (۲۸): ۲۷-۵۰.
- بهزادی، رقیبه. (اردیبهشت ۱۳۷۰). قوم‌های کهن؛ نظری به تاریخ اورارتو. *چیستا*، (۷۸): ۹۰۷-۹۲۱.
- حقیقی، ابراهیم. (زمستان ۱۳۷۰ و بهار ۱۳۷۱). گرافیک زبان ایجاز در تصویر و آشکاری کلام. مصاحبه‌شونده: ابراهیم حقیقی. *فصلنامه هنر: هنر و معماری*، (۲۱): ۵۴-۶۳.
- حیدری، امیر. (۱۳۸۹). نظرگاه شهری: نگاهی به ظرفیت‌های فراموش شده میدان تجریش. *مجله منظر*، (۸): ۷۹-۷۸.
- زرگر، افشین. (تابستان ۱۳۸۷). وضعیت روند دولت - ملت سازی در جمهوری ارمنستان. *علوم سیاسی: مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، (۶۲): ۱۵-۵۰.
- صدرالسادات، آیدا. (دی ۱۳۸۹). هنر خیابانی، پدیده‌های شهری. *مجله گلستانه*، (۱۱۰): ۳۳-۲۹.
- طبیبی‌فر، مهسا. (۱۳۸۵). نظرگاه شهری بام تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری منظر. دانشگاه تهران.
- غضنفری، پروانه. (۱۳۸۷). منظر طبیعی. منظر، ۱ (صفر): ۲۰-۲۳.
- لیکور، پل. (تابستان ۱۳۷۴). تاریخ، خاطره، فراموشی. *فصلنامه گفتگو*، (۸): ۴۷-۶۰.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). *تئوری شکل شهر*. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۹). *سیمای شهر*. ترجمه: منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منصوری، سیدامیر. (زمستان ۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *مجله باغ نظر*، (۲): ۶۹-۷۸.
- منصوری، فیروز. (خرداد و تیر ۱۳۸۶). آرات، نام و نشان و هویت ایرانی دارد. *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، (۲۳۷ و ۲۳۸): ۱۲۲-۱۳۵.

- Abrahamian, L. (2006). *Armenian identity in a changing world*. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers.
- Bryce, J. (1877-1878). On Armenia and Mount Ararat. *Proceedings of the Royal Geography Society of London*, 22 (3): 169-186.
- Buachidze, G., et al. (1999). Transcaucasus One of the Most Ancient Regions Using the Earth's Heat. *Geothermal Resources Council; International Geothermal Association. Sacramento, California*. 321-335.
- Fowler, P.J. (2003). *World Hertaige cultural Landscapes 1992-2002*. World Heritage papers 6 (2003). Paris: Unesco world Heritage center.
- Khorenatsi, M. (1978). *History of the Armenians*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Lanser, R.D. (2008). *An Armenian Perspective on the Search for Noah's Ark*. Available from: http://www.biblearchaeology.org/file.axd?file=An_Armenian_Perspective.pdf.
- Marshall, B.C. (2007). *The Flower of Paradise and Other Armenian Tales* (World Folklore Series). London: Westport, Connecticut.
- Petrosyan, A. Y. (2002). *The Indo-European and Ancient Near Eastern Sources of the Armenian Epic: myth and history*. Washington: Journal of Indo-European Studies.
- Petrosyan, H. L. (2007). *On Two Main symbols of Armenian Identity: The Sacred Mountain and Paradise Lost; Old Images and Contemporary Manifestations*. Tbilisi: Civilization Researches.
- Tatevatsi, G (Grigor of tatev). (1993). *The Book of Questions*, Jerusalem.